

اسامی و القاب حضرت مهدی (عج)

<"xml encoding="UTF-8?">



اسامی و القاب حضرت مهدی (عج)

مرحوم ثقة الاسلام نوری در بیان اسماء شریفه امام عصر (علیه السلام) ، با استناد به آیات و روایات و کتب آسمانی پیشین و تعبیرات راویان و تاریخ نگاران تعداد یکصد و هشتاد و دو اسم و لقب برای حضرت مهدی (علیه السلام) ذکر می کند و مدعی است که در این مقام ، از استنباط های شخصی و استحسان های غیر قطعی خودداری نموده است که در غیر این صورت چندین برابر این اسماء و القاب ، قابل استخراج از کتب مختلفه بود . که از آن جمله است : **محمّد ، احمد ، عبدالله ، محمود ، مهدی ، برهان ، حجّت ، حامد ، خلف صالح ، داعی ، شریذ صاحب ، غائب ، قائم ، منتظر و ...** .

کنیه های آن حضرت عبارتند از : **ابوالقاسم** (هم کنیه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)) ، **ابوعبدالله** ، **اباصالح که مرحوم نوری ابو ابراهیم ، ابوالحسن و ابوتراب** را نیز از کنیه های ایشان شمرده است . در اینجا به ذکر پاره ای عناوین و صفات که در ضمن زیارت های مختلفه و ادعیه مربوط به حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) مورد تصریح قرار گرفته است اشاره داریم ، با این امید که دقّت و تأملی در آنها ، ما را با شئونات مختلفه آن بزرگوار آشنا ساخته و مقاماتی را که غالبا از لسان معصومین (علیهم السلام) در ضمن این دعا ها و زیارت ها برای امام دوازدهم (عج) بر شمرده شده برایمان روشن تر سازد . قابل ذکر اینکه تمام این عناوین و اوصاف بطور خاص در مورد حضرت مهدی (عج) وارد گردیده ، اگر چه بسیاری از آنها در مورد سایر امامان بزرگوار اسلام (علیهم السلام) نیز می تواند مصداق داشته باشد . دیگر اینکه ، آنچه ذکر می شود نه به ادّعای اسم یا لقب آن حضرت ، بلکه به عنوان بهره وری از تعبیر موجود در نصوص زیارت و دعاست ، اعم از اینکه واژه ای مفرد یا جمله ای توصیفی باشد . **بقیّة الله** : باقیمانده خدا در زمین .

خلیفه الله : جانشین خدا در میان خلایق .

وجه الله : مظهر جمال و جلال خدا ، سمت و سوی الهی که اولیای حق رو به او دارند .

باب الله : دروازه همه معارف الهی ، دری که خدا جویان برای ورود به ساحت قدس الهی ، قصدش می کنند .

داعی الله : دعوت کننده الهی ، فرا خواننده مردم به سوی خدا ، منادی راستین هدایت الی الله .

سبیل الله : راه خدا ، که هر کس سلوکش را جز در راستای آن قرار دهد سر انجامی جز هلاکت نخواهد داشت .

ولی الله : سر سپرده به ولایت خدا و حامل ولایت الهی ، دوست خدا .

حجة الله : حجّت خدا ، برهان پروردگار ، آن کس که برای هدایت در دنیا ، و حساب در آخرت به او احتجاج م کنند .

نور الله : نور خاموشی ناپذیر خدا ، ظاهر کننده همه معارف و حقایق توحیدی ، مایه هدایت رهجویان .

عين الله : دیده بیدار خدا در میان خلق ، دیدبان هستی ، چشم خدا در مراقبت کردار بندگان .

سلالة النبوة : فرزند نبوت ، باقیمانده نسل پیامبران .

خاتم الاوصياء : پایان بخش سلسله امامت ، آخرین جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) .

علم الهدی : پرچم هدایت ، رایت همیشہ افراشته در راه الله ، نشان مسیر حقیقت .

سفينة النجاة : کشتی نجات ، وسیله رهایی از غرقاب ضلالت ، سفینه رستگاری .

عين الحیوة : چشمه زندگی ، منبع حیات حقیقی .

القائم المنتظر : قیام کننده مورد انتظار ، انقلابی بی نظیری که همه صالحان چشم انتظار قیام جهانی اویند .

العدل المشتهر : عدالت مشهور ، تحقق بخش عدالت موعود .

السيف الشاهر : شمشیر کشیده حق ، شمشیر از نیام بر آمده در اقامه عدل و داد .

القمر الزاهر : ماه درخشان ، ماهتاب دلفروز شب های سیاه فتنه و جور .

شمس الظلام : خورشید آسمان هستی ظلمت گرفتگان ، مهر تابنده در ظلمات زمین .

ربيع الأنام : بهار مردمان ، سر فصل شکوفایی انسان ، فصل اعتدال خلائق .

نصرة الأيام : طراوت روزگار ، شادابی زمان ، سرّ سرسبزی دوباره تاریخ .

الدين المأثور : تجسم دین ، تجسید آیین بر جای مانده از آثار پیامبران ، خود دین ، کیان آیین ، روح مذهب .

الكتاب المسطور : قرآن مجسم ، کتاب نوشته شده با قلم تکوین ، معجزه پیامبر در هیئت بشری .

صاحب الأمر : دارنده ولایت امر الهی ، صاحب فرمان و اختیاردار شریعت .

صاحب الزمان : اختیار دار زمانه ، فرمانده کل هستی به اذن حق .

مطهر الأرض : تطهیر کننده زمین که مسجد خداست ، از بین برنده پلیدی و ناپاکی از بسیط خاک .

ناشر العدل : برپا دارنده عدالت ، بر افرازنده پرچم عدل و داد در سراسر گیتی .

مهدی الامم : هدایتگر همه امتها ، راه یافته راهنمای همه طوایف بشریت .

جامع الکلم : گردآورنده همه کلمه ها بر اساس کلمه توحید ، وحدت بخش همه صف ها .

ناصر حق الله : یاریگر حق خدا ، یاور حقیقت .

دلیل ارادة الله : راهنمای مردم به سوی مقاصد الهی ، راه بلد و راهبر انسان ها در راستای اراده خداوند .

الثائر بامر الله : قیام کننده به دستور الهی ، بر انگیزته به فرمان پروردگار ، شورنده بر غیر خدا به امر خدا .

محيى المؤمنين : احیاگر مؤمنان ، حیاتبخش دل های اهل ایمان .

مبیر الکافرين : نابود کننده کافران ، درهم شکننده کاخ کفر ، هلاک کننده کفار .

معز المؤمنين : عزّت بخش مؤمنان ، ارزش دهنده اهل ایمان .

مذلّ الکافرين : خوار کننده کافران ، درهم شکننده جبروت کفر پیشگان .

منجى المستضعفين : نجات دهنده مستضعفان ، رهایی بخش استضعاف کشیدگان .

سيف الله الذى لا ینبؤ : شمشیر قهر خدا که کندی نپذیرد .

میثاق الله الذى أخذہ : پیمان بندگی خدا که از بندگان گرفته شده .

مدار الدهر : مدار روزگار ، محور گردونه وجود ، مرکز پیدایش زمان .

ناموس العصر : نگهدارنده زمان ، کیان هستی دوران .

کلمة الله التامة : کلمه تامة خداوند ، حجت بالغه الهی .
تالی کتاب الله : تلاوت کننده کتاب خدا ، قاری آیات کریمه قرآن .
وعد الله الذي ضمنه : وعده ضمانت شده خدا ، پیمان تخلف ناپذیر الهی .
رحمة الله الواسعة : رحمت بی پایان خدا ، لطف و رحمت بی کرانه پروردگار رحمت گسترده حق .
حافظ اسرار رب العالمين : نگهبان اسرار پروردگار ، حافظ راز های ربوبی .
معدن العلوم النبويّه : گنجینه دانش های پیامبری - خزانه معارف نبوی .
نظام الدين : نظام بخش دین .
يعسوب المتقين : پیشوای متقین .
معزّ الاولياء : عزت بخش یاران .
مذلّ الأعداء : خوار کننده دشمنان .
وارث الانبياء : میراث بر پیامبران .
نور ابصار الوری : نور دیدگان خلائق .
الوتر الموتور : خونخواه شهیدان .
كاشف البلوى : بر طرف کننده بلا ها .
المعد لقطع دابر الظلمه : مهیا شده برای ریشه کن کردن ظالمان .
المنتظر لاقامة الأمت و العوج : مورد انتظار برای از بین بردن کژی ها و نادرستی ها .
المترجی لازالة الجور و العدوان : مورد آرزو برای بر طرف کردن ستم و تجاوز .
المدخّر لتجديد الفرائض و السنن : ذخیره شده برای تجدید واجبات و سنن الهی .
المؤمل لإحياء الكتاب وحدوده : مورد امید برای زنده ساختن دوباره قرآن و حدود آن .
جامع الكلمة على التقوى : گرد آورنده مردم بر اساس تقوی .
السبب المتصل بين الأرض و السماء : واسطه بین آسمان و زمین ، کانال رحمت حق بر خلق .
صاحب يوم الفتح و ناشرایة الهدی : صاحب روز پیروزی و بر افرازنده پرچم هدایت .
مؤلف شمل الصلاح و الرضا : الفت دهنده دل ها بر اساس رضایت و درستکاری .
الطالب بدم المقتول بكریلا : خونخواه شهید کربلا .
المنصور على من اعتدى علیه و افترى : یاری شده علیه دشمنان و افترا زندگان .
المضطرّ الذي یجاب اذا دعى : پریشان و درمانده ای که چون دعا کند دعایش مستجاب شود .